



دانشگاه ادیان و مذاهب

دانشکده ادیان

رساله دکتری

رشته دین پژوهی

بازخوانی فلسفی معیار کرامت انسانی و مقایسه آن با دیدگاه فقهی

نگارش:

سید عبدالصالح جعفری

استاد راهنما:

دکتر سید ابوالحسن نواب

استاد مشاور:

دکتر باقر طالبی دارابی

بهمن ۱۴۰۰

سورة اسراء

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا (٦١) قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنِ أَخَّرْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأُحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا (٦٢) قَالَ أَذْهَبُ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا (٦٣) وَاسْتَفْزَزَ مَنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (٦٤) إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا (٦٥) رَبُّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفَلَكَ فِي الْبَحْرِ لِيَنْبَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (٦٦) وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا (٦٧) أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يُخْصِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا (٦٨) أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ فَيَغْرِقَكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا (٦٩) وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (٧٠)

سوره اسراء

چکیده:

پایه ترین جستار در دانشهای انسانی، کرامت انسانی بر پایه شناخت انسان است. بی توجهی در شناسه انسان می تواند مانع نتایج تعمیم پذیر گردد. در نگاه ما ملاک فراگیر و جداگری در باره انسان زیستی در دست نیست؛ از این رو حقوق و ویژگی های فلسفی نمی تواند منسوب به آن گردد.

با نگاه به ارزشی بودن مفهوم کرامت و دلالت آن بر باید و نبایدهای اخلاقی و نشدنی بودن انتزاع چنین موضوعات از اعیان خارجی، رای بر اعتبار مفهوم کرامت است. نویسنده با نگاه به ضرورت بودن اعتبارگری برای هر اعتبار، به جستجوی پیمانگزار یا منشاء اعتبار کرامت می پردازد. آنگاه اعتبارات ارزشی درونزاد را بی ارزش و نامعتبر دانسته، هستومندان بیرونی نااندیش یا کهنترینه را نیز بی صلاحیت و ناتوان از پیمانگزاری کرامت و مهتری می شمارد و هستی پایدار اندیشمند مهتر از مردم و به مردم مهتری بخش را خداوند می داند.

در ملاک کرامت نیز در جستجوی آن دسته از جداییها هستیم که دگرگونی چیستاری با دیگر جانداران بسازد و بتواند پایه ای برای پیوند کرامت گردد. این جستجو دانشمندان را به شناسه انسان بر پایه خرد رساند. در نگاه نویسنده، گزینش، زمینه کرامت را آفریده و گونه گزینش، ارزش هماهنگ با خود را به گزیننده خود خواهد بخشید.

نویسنده با نگاه به اصالت و فراگیرتر بودن گزینش های درست در زندگی میانه مردم، رای بر اصالت صحت در گزینش ها و اصالت کرامت برآمده از آن در همه مردم داده، نبود کرامت را نیازمند اثبات و نمود ملاک سلب ارزیابی می نماید. از این رو دشواری اثبات کرامت، به دشواری اثبات نبود آن دگرگون می گردد.

نگاه نویسنده با جدا کردن بحث بود و نمود کرامت، همزمان می تواند در گفتگوهای ثبوتی به توضیح کلامی نگاه ادیان برخیزد و در گفتگوهای اثباتی، به دیدگاه آزاد نزدیکتر گردیده، به توجیه و توضیح فقهی بخش بزرگی از آن بپردازد که در نزدیکسازی دو دیدگاه، ارزشمند است.

واژگان کلیدی: تعریف انسان، کرامت انسانی، اصالت کرامت، ملاک کرامت، اختیار/ گزینش

فهرست نوشتار

۱۱	فصل اول: کلیات.....
۱۲	۱-۱. پیشگفتار.....
۱۳	۲-۱. بیان مساله
۱۵	۳-۱. دلایل انتخاب موضوع
۱۶	۴-۱. پرسش اصلی
۱۶	۵-۱. پرسش های فرعی
۱۷	۶-۱. فرضیه اصلی
۱۷	۷-۱. فرضیه های فرعی
۱۸	۸-۱. پیش فرض های ضروری
۱۸	۹-۱. موارد نوآوری
۱۹	۱۰-۱. هدف اصلی
۱۹	۱۱-۱. اهمیت
۲۰	۱۲-۱. کاربری
۲۰	۱۳-۱. تعریف مفاهیم و متغیرها
۲۱	۱۴-۱. روش شناسی و ابزارها
۲۲	۱-۱۴-۱. روش
۲۲	۲-۱۴-۱. گردآوری داده ها
۲۳	۱۵-۱. استادان گفتگو
۲۴	۱۶-۱. نگاره ها
۲۵	فصل دوم: مبانی نظری و مفهومی کرامت انسانی
۲۶	۱-۲. گزارش
۲۹	۲-۲. انسان در زیست شناسی

- ۲۹..... ۱-۲-۲. مفاهیم گونه
- ۳۱..... ۲-۲-۲. تحقق تمایز ریختی، بدون ایجاد جدایی تولید مثلی
- ۳۱..... ۳-۲-۲. مشکلات ناشی از تولیدمثل تک‌پشتی
- ۳۱..... ۴-۲-۲. تغییرات درون‌گونه‌ای
- ۳۲..... ۵-۲-۲. دورگ‌گیری
- ۳۲..... ۶-۲-۲. مردم/گونه انسان
- ۳۳..... ۷-۲-۲. افزایش حجم جمجمه
- ۳۴..... ۸-۲-۲. هوموساپینس
- ۳۵..... ۹-۲-۲. برابری
- ۳۶..... ۱۰-۲-۲. ویژگی‌های انسانی
- ۳۶..... ۳-۲. واژه‌شناسی انسان و کرامت
- ۳۸..... ۴-۲. انسان و کرامت در ادیان
- ۳۸..... ۱-۴-۲. انسان و کرامت در آیین زرتشت
- ۴۰..... ۲-۴-۲. انسان و کرامت در آیین یهود
- ۴۱..... ۳-۴-۲. انسان و کرامت در آیین بودا
- ۴۳..... ۴-۴-۲. انسان و کرامت در آیین مسیحیت
- ۴۴..... ۵-۴-۲. انسان و کرامت در آیین اسلام
- ۶۱..... ۵-۲. کرامت انسانی در آگهی‌های سیاسی اجتماعی
- ۶۱..... ۱-۵-۲. فرمان حمورابی
- ۶۱..... ۲-۵-۲. آگهی آشور بانی پال
- ۶۱..... ۳-۵-۲. آگهی جهانی کوروش بزرگ
- ۶۲..... ۴-۵-۲. آگهی جهانی داد مردم (حقوق بشر)
- ۶۲..... ۵-۵-۲. آگهی اسلامی حقوق بشر

- ۶۲ ۶-۲. انسان و کرامت در فلسفه:
- ۶۳ ۱-۶-۲. افلاطون
- ۶۴ ۲-۶-۲. ارسطو
- ۶۵ ۳-۶-۲. زنون رواقی
- ۶۵ ۴-۶-۲. اپی کوروس
- ۶۵ ۵-۶-۲. مارکوس اورلیوس
- ۶۶ ۶-۶-۲. هایز
- ۶۶ ۷-۶-۲. لاک
- ۶۷ ۸-۶-۲. هیوم
- ۶۷ ۹-۶-۲. کانت
- ۷۵ ۱۰-۶-۲. هگل
- ۷۵ ۱۱-۶-۲. شوپنهاوئر
- ۷۵ ۱۲-۶-۲. فویرباخ
- ۷۶ ۱۳-۶-۲. مارکس و انگلس
- ۷۶ ۱۴-۶-۲. کیرکگور
- ۷۷ ۱۵-۶-۲. نیچه
- ۷۷ ۱۶-۶-۲. سارتر
- ۷۸ ۱۷-۶-۲. شخصیت
- ۸۶ ۱۸-۶-۲. حقوق بشر
- ۸۷ ۱۹-۶-۲. کرامت انسانی و تحقیقات پزشکی
- ۸۸ ۲۰-۶-۲. نظریه اطلاعات
- ۹۰ ۲۱-۶-۲. منطق موقعیت
- ۹۲ فصل سوم: تحلیل یافته های نظری
- ۹۳ ۱-۳. لغزشگاه هایی در پژوهش کرامت انسانی

- ۱۰۲..... ۲-۳. شناسه مردم (تعریف انسان)
- ۱۰۳..... ۱-۲-۳. لغزش از مفهوم به واژه
- ۱۰۴..... ۲-۲-۳. نیاز به شناسه
- ۱۰۴..... ۳-۲-۳. شناسه زیستی
- ۱۰۵..... ۴-۲-۳. شناسه "گونه"
- ۱۰۶..... ۵-۲-۳. بررسی ویژگی ها
- ۱۰۸..... ۶-۲-۳. دستاورد بررسی
- ۱۰۹..... ۷-۲-۳. گونه زیستی مردم
- ۱۱۰..... ۸-۲-۳. شناسه منطقی مردم
- ۱۱۲..... ۹-۲-۳. دستاورد
- ۱۱۲..... ۱۰-۲-۳. انسان در علوم انسانی
- ۱۱۳..... ۱۱-۲-۳. جداگر راستین
- ۱۱۴..... ۳-۳. ارزیابی «کرامت انسانی»: تعریف، عینیت، اعتبار یا انتزاع؟
- ۱۱۵..... ۱-۳-۳. نبود کرامت
- ۱۱۶..... ۲-۳-۳. کرامت بیرونی
- ۱۱۶..... ۳-۳-۳. کرامت پیمانی
- ۱۱۷..... ۴-۳-۳. کرامت پنداری
- ۱۱۸..... ۵-۳-۳. کرامت برگیری
- ۱۱۹..... ۶-۳-۳. کرامت مردم، پیمانان یا برگرفته؟
- ۱۱۹..... ۷-۳-۳. امکان برگیری کرامت
- ۱۱۹..... ۸-۳-۳. دسته بندی باید و نبایدها
- ۱۲۰..... ۱-۸-۳-۳. باید و نباید فلسفی
- ۱۲۱..... ۲-۸-۳-۳. باید و نباید ارزشی
- ۱۲۲..... ۳-۸-۳-۳. زنجیره باید و نباید

- ۱۲۳..... ۹-۳-۳. پیمانگذار کرامت انسانی
- ۱۲۳..... ۱-۹-۳-۳. کرامت خویش فرما
- ۱۲۳..... ۲-۹-۳-۳. کرامت طبیعی
- ۱۲۴..... ۳-۹-۳-۳. کرامت خدایی
- ۱۲۴..... ۱۰-۳-۳. مادگیری و کرامت
- ۱۲۴..... ۱۱-۳-۳. شهود یا دریافت کرامت
- ۱۲۵..... ۱۲-۳-۳. کرامت توانه و هستار
- ۱۲۵..... ۱۳-۳-۳. پایداری کرامت اعتباری
- ۱۲۶..... ۱۴-۳-۳. خرد و کرامت
- ۱۲۶..... ۴-۳. سنجه های کرامت انسانی
- ۱۲۷..... ۱-۴-۳. ملاک های محتمل برای کرامت انسان
- ۱۲۸..... ۱-۱-۴-۳. کرامت زایی تن و زیست
- ۱۲۸..... ۲-۱-۴-۳. کرامت زایی رفتار
- ۱۲۹..... ۳-۱-۴-۳. کرامت زایی دریافت / احساس
- ۱۳۰..... ۴-۱-۴-۳. کرامت زایی خرد و باور
- ۱۳۱..... ۱-۴-۱-۴-۳. خرد ابزاری
- ۱۳۱..... ۲-۴-۱-۴-۳. خرد مینوی
- ۱۳۲..... ۳-۴-۱-۴-۳. باور
- ۱۳۳..... ۵-۱-۴-۳. گزینش / آزادی در پیروی یا سرکشی از باور
- ۱۳۴..... ۱-۵-۱-۴-۳. پیروی آزادانه از باور
- ۱۳۵..... ۲-۵-۱-۴-۳. اندازه و درجات پیروی از باور
- ۱۳۶..... ۲-۴-۳. تشکیک در کرامت
- ۱۳۸..... ۵-۳. آیات خلافت و امانت و کرامت انسانی
- ۱۳۹..... ۱-۵-۳. آیهی امانت / زنهار

- ۱۴۱ ۳-۵-۱-۱. بررسی واژگانی
- ۱۴۲ ۳-۵-۱-۲. تفسیر آیه بر این پایه
- ۱۴۳ ۳-۵-۲. آیهی «خلافت / جانشینی»
- ۱۴۳ ۳-۵-۲-۱. دو نکته در سنجش آیهی امانت با خلافت
- ۱۴۶ ۳-۵-۲-۲. «نام»، نماد «اعتبار»
- ۱۴۸ ۳-۶. بود و نمود کرامت انسانی
- ۱۴۹ ۳-۶-۱. تفاوت بود و نمود کرامت
- ۱۵۱ فصل چهارم : نتیجه گیری
- ۱۵۲ ۴-۱. گزارش
- ۱۵۲ ۴-۲. کرامت انسانی؛ کمینه و بیشینه
- ۱۵۳ ۴-۲-۱. عدم انحصار «کرامت» در «پذیرش نیکی» و «انسان»
- ۱۵۵ ۴-۲-۲. کرامت و بها
- ۱۵۷ ۴-۳. دیگر یافتارهای بنیادین فقهی
- ۱۵۷ ۴-۳-۱. کرامت نوع/فرد بشر
- ۱۵۷ ۴-۳-۲. کفر/دگراندیشی
- ۱۵۹ ۴-۳-۳. جایگاه فقهی کفار/دگراندیشان
- ۱۶۴ ۴-۳-۴. دگرکشی/ارتداد
- ۱۶۵ ۴-۳-۵. کفر ظاهری/پرده پوشی
- ۱۶۶ ۴-۳-۶. رفتار دوگانه و دفاع مشروع
- ۱۶۷ ۴-۳-۷. حقوق اقلیت
- ۱۶۸ ۴-۳-۸. «تقارن اخلاقی» کرامت؛ نظریه و قاعده
- ۱۶۹ پیشنهاد به پژوهشگران
- ۱۷۰ فهرست منابع

۱۷۶	پیوست ها
۱۷۶	آگهی جهانی داد مردم (حقوق بشر)
۱۸۱	آگهی اسلامی حقوق بشر

فصل اول: کلیات

گل نعمتی است هدیه فرستاده از بهشت مردم کریم تر شود اندر نعیم گل^۱
 تاج کرمناست بر فرق سرت طوق اعطیناک آویز برت^۲

۱-۱. پیشگفتار

بررسی آنکه کرامت انسانی چگونه است و ملاک آن چیست و چگونه دریافت می شود. بر آنیم تا چگونگی و بنیاد آن کرامت را در هر دو حیث ثبوت و اثبات با اهتمام بیشتر به رویکرد اسلامی ارزیابی نماییم. همچنین میزان این گرامیداشت و برجستگی آن، اولویت انسان را نسبت به آنچه در هستی هست نشان خواهد داد. سامانه های حقوق بشر که به گونه امروزی و جهانگیر درآمده، برپایه کرامت انسانی تنظیم گشته است و بشدت در پی تبیین این مفهوم و تعیین حدود آن هستند. واکاوی این مهم در ادیان نیز از جدی ترین موضوعات جهان امروز است. چراکه رویکرد ادیان به کرامت انسانی می تواند مبنا و سقف باور آنان به حقوق بشر و نیز رسیدن به تعامل و وفاق در این زمینه باشد. دیدگاه های دین پژوهانه در این زمینه می تواند هم به پژوهش موضوعی در این باره در متون و سنت ادیان بازگردد و هم می تواند به گونه ای مساله محور در جستجوی پرسش های بنیادینی در این زمینه باشد تا به نقد علمی دیدگاه ادیان در راه کرامت انسانی بپردازد. دانشمندان امروزی که در موضوع کرامت انسانی به عنوان مبنای حقوق بشر کار می کنند و حقوق اساسی و عمومی را تدوین می نمایند. بیشتر پژوهشها معمولاً رویکردی به توصیف و تبیین و تعریف این کرامت دارند و کمتر به مبنای آن در این جایگاه که عامل و بانی حصول این کرامت چیست و چرا ما این پیش فرض کرامت را در تبیین های حقوقی خود می پذیریم کمتر بحث کرده اند. همچنین تمایزی میان «نومن» و «فنومن» نهاده اند. اما کرامت انسانی در جایگاه یک دریافت درونی انسان ها موضوعی است و اینکه سرچشمه آن چیست جستار دیگری است و چگونگی دریافت آن نیز مساله سومی که تکلیف اساسی آن موضوع را روشن می کند. به دیگر سخن برای تبیین درست و مرز بندی بجای کرامت، می باید که بدانیم بنیاد آن چیست تا در این راه هماهنگی بایسته در دستور و احکام را بر همان پایه نگاه داریم. اگر این مبنا به درستی دانسته نشود راه روشن کردن شاخه ها و فروع این کرامت نیز

۱. درخشان، مهدی، اشعار حکیم کسایی مروزی: ص ۳۲.

۲. بلخی، محمد، مثنوی معنوی: ج ۵، ص ۷۸۶.

هماهنگ با آن تدوین نخواهد گشت. پس از آن به چگونگی پدیداری و حیث اثبات آن خواهیم پرداخت. از اینرو بنیاد کرامت انسانی، هم در حیث ثبوت و هم اثبات، افزون بر رویکرد پژوهشی، دارای جنبه های کاربردی نیز خواهد بود. این پرسش نهادین و بنیادین که سنجه، ملاک یا مناط کرامت انسانی چیست و نیز چگونه است که آدمی دارای این کرامت گردیده است و در پایان، چگونه می توان آن را در مصادیق، احراز نمود: «بازخوانی فلسفی معیار کرامت انسانی و مقایسه آن با دیدگاه فقهی»

۱-۲. بیان مساله:

کرامت انسانی مبنای تدوین چگونگی رفتارهای فردی و اجتماعی با همه آدمیان است. هر نظام فلسفی و دینی پیرو نگرش درباره جستار کرامت، نظر و رفتار خود را با مخاطب مردمی خویش برپا می کند. اگر «انسان گرامی باشد» رویکرد و جایگاه ویژه ای از نظر دستوری برای او برقرار خواهد شد و اگر چنین نباشد، نقش ابزاری برجسته تری خواهد یافت و بیشتر راه یا وسیله ای دانسته می شود برای رسیدن به هدف های دیگری که ارزشمندتر شمرده می شوند. نزد همه آنان که برای انسان، کرامت قائلند، باید «معیار»ی برای این کرامت برشمرده و تبیین گردد. بر آنیم تا این معیار را در هر دو حیث ثبوت و اثبات با دیدگاهی فلسفی و برون دینی واکاوییم؛ آنگاه با بازخوانی رویکرد کلامی و فقهی اسلامی، آن را مقایسه و ارزیابی نماییم. سامانه های حقوق بشر که به گونه امروزی و جهانگیر درآمده است برپایه باور به «کرامت انسانی» تنظیم گشته و به شدت در پی تبیین این مفهوم و تعیین حدود و چگونگی آن هستند، اما کمتر بر «معیار» این کرامت سخن رفته و غالباً آن را به عنوان یک اصل موضوع پذیرفته و از دیگران نیز غالباً همین رویکرد نامگرایانه را انتظار دارند. این مهم به ویژه در تفاوت های دستوری ادیان نیز از جدی ترین موضوعات دین پژوهی در جهان امروز می گردد و نیاز به تبیین «معیار کرامت» برای توفیق و توافق در این سرفصل بنیادین حقوقی فقهی را در مکاتب گوناگون، ضروری تر می دارد. وفاق در «معیار» و رویکرد مشترک ادیان و مکاتب در کرامت انسانی، می تواند به اشتراک در باور، التزام و تعامل آنان در موضوعات «حقوق بشر» و نیز رسیدن به الگوی واحد در این زمینه باشد.

دیدگاه های فلسفی و دین پژوهانه در این زمینه می تواند هم به پژوهش موضوعی در این باره در متون و

سنت ادیان بازگردد و هم می تواند به گونه ای مساله محور در جستجوی پرسش های بنیادینی باشد که به نقد علمی دیدگاه ادیان در باره کرامت انسانی بپردازد.

دانشمندان امروزی که در موضوع کرامت انسانی به عنوان مبنای حقوق بشر کار می کنند و حقوق اساسی و عمومی را تدوین می نمایند، معمولا رویکرد به توصیف، تبیین و تعریف این کرامت دارند و بر خلاف فلسفه و ادیان، کمتر به مبنای آن که عامل و بانی این کرامت چیست و از بنیاد، چرا ما این پیش فرض کرامت را در تبیین های حقوقی خود می پذیریم و نیز چگونه آن را در مصادیق، احراز می نماییم می پردازند. تبیین تفصیلی کرامت انسانی بر پایه سرچشمه های عقلی ثابت و همگرای آن، چیزی است و ارجاع به کرامت در جایگاه یک دریافت درونی و اجمالی انسانها که تفصیل عرفی و اگر دارد و حتا به نسبی گرایی اخلاقی می انجامد، جستار دیگر و بلکه متعارض با آن. اهمیت تفکیک این دو و پرداختن به سرچشمه و ملاک فلسفی کرامت، به هنگام تعیین فروع فقهی یا حقوقی کرامت انسانی، با رجوع و استناد به آن ملاک و سرچشمه عقلی مشترک، به جای حس عرفی متغیر در جوامع گوناگون، روشن تر می گردد. آشکار است که این ملاک، می باید از فصول انسان با دیگر جانداران باشد؛ چرا که آنان فاقد این کرامتند. از این رو تعریف انسان، از جهت تبیین ریزبینانه فصل آن و جستجوی ملاک کرامت در آن فصول، پیش نیاز خواهد بود.

در این مسیر، چگونگی پدیداری و احراز آن ملاک در مصادیق نیز، تکلیف کاربردی آن را در فقه و ادیان روشن می کند. به دیگر سخن برای تبیین درست و مرز بندی بجای کرامت، می باید هم از نگاه فلسفی و ثبوتی، بدانیم بنیاد آن چیست و هم حیث اثباتی آن، اهمیت حقوقی و جامعه شناختی خواهد یافت تا فقه و حقوق یا دستور و احکام را با همان پایه هماهنگ داریم. اگر این ثبوت و اثبات، به درستی دانسته نشود، شاخه ها یا فروع این کرامت نیز هماهنگ با یک مبنای مشترک، تدوین نخواهد گشت. از این رو کرامت انسانی هم بنیاد و هم پدیدارشناسی آن که رویکردها و حیثیات یک موضوعند، افزون بر رویکرد پژوهشی و ارزش دانشی، دارای جنبه های کاربردی نیز خواهند بود.

پس این پرسش نهادین و بنیادین که «سنجه یا ملاک یا مناط کرامت انسانی چیست؟»، می تواند و بلکه باید که مسبق به پرسش «چگونه دارای این ملاک گردیده؟»، به منظور جستجوی چشمه و ریشه آن و ملحوق

به پرسش «چگونه این ملاک، احراز و اثبات می‌گردد؟» در بعد فقهی و مصداق حقوقی آن خواهد بود. با پی بردن به سنجه ثبوتی کرامت انسانی، می‌توان به جستجوی اثباتی و تحقق آن در آحاد پرداخت و کرامت از یک مفهوم کلان و کور استعلایی که نتوان به تحلیل و تفکیک و بررسی آن پرداخت، به یک مفهوم منطقی که فراتر از حس درونی، امری معقول است و می‌توان آن را تفصیل و توضیح داد و تعیین و مرز بندی کرد، دگرگون می‌گردد. این عقلانیت درباره کرامت انسانی، می‌تواند امکان بررسی های تطبیقی و تعامل گفتمانی میان ادیان را نیز در این زمینه افزایش دهد؛ چرا که موضوع را از یک دگم درون دینی، به یک جستار فلسفی همگانی، بدل خواهد نمود و رویکرد ادیان را به دیدگاهی دین پژوهانه ارتقا خواهد بخشید. پس مساله اساسی آن است که: «ملاک کرامت انسانی چیست؟» یا چه بنیادی در انسان است که او را گرامی و سزاوار رفتار ویژه می‌نماید؛ اما تعریف انسان و یافتن سرچشمه پیدایی و اندازه تحقق و پدیداری کرامت در جنس و افراد انسانی، پیرامون همین مساله است.

۱-۳. دلایل انتخاب موضوع:

همان گونه که آمد، این جستار سنگ بنای عقلانی کردن مفهوم کرامت و دسترسی به آن است. مفهومی که جایگاه حقوقی جهانی یافته است. کرامت بی بررسی سنجه آن، در حد یک دگم و هذیان مشترک اجتماعی تنزل خواهد یافت و بیش از آنکه جستاری فلسفی باشد، امری توتولوژیک و فرضی ایدئولوژیک است و جایی برای گفتگوی فلسفی نخواهد داشت. همچنین در نیافتن بنیاد کرامت انسانی می‌تواند به لغزش های کمی و کیفی در تدوین حقوقی آن بینجامد و جامع و مانع بودن آن را در هم ریزد. این مهم در تبیین کرامت، به ویژه درباره کسان و نمونه های مرزی مردد و مشکوک، اهمیت دوچندان خواهد یافت. جایگاه احراز نومن از فنومن نیز در این زمینه بسیار موثر است. موارد مشکوک که از نظر تن، در مرزهای تقسیمی قرار دارند و یا در فراتن، با نظام های دینی گوناگون، درون یا برون کرامت شمرده شده اند. در اسلام و به ویژه در مذهب شیعه که اهل عقل است با توجه به امکان بررسی خردگرانه این موضوع، ضرورت بیشتری در این زمینه حس می‌گردد. پس از جنگ دوم نیز، با پذیرش مفهوم کرامت در اعلامیه جهانی حقوق بشر، می‌رود تا حوزه این مفهوم هر روز گسترده تر گردد و اهتمام همه اقوام و ملل در آن فزونی یابد.

۱-۴. پرسش اصلی:

معیار کرامت انسانی چیست؟

این پرسش با بررسی سرچشمه کرامت و تحقق آن در فقه نیز بستگی دارد.

۱-۵. پرسش های فرعی:

(۱) تعریف انسان چیست؟

برای یافتن ملاک کرامت انسانی، باید فصول و تفاوت هایی که میان انسان با دیگر جانوران هست پژوهید که کدامیک عامل کرامتی است که دیگران بی آنند. از این رو تعریف و فصل انسان از نوع خود، از پرسشهای فرعی اما پیش نیاز تحقیق برای استقصاء سرچشمه و ملاک این کرامت است.

(۲) کرامت چیست؟

جنس کرامت باید دانسته شود که چگونه وجودی در سنخ شناسی فلسفی وجود دارد.

(۳) سنجه/ملاک کرامت در انسان چیست؟

چه چیزی شرط لازم و کافی برای حدوث کرامت در انسان است؟

(۴) احراز سنجه کرامت، چگونه است؟

جنبه اثباتی و پدیداری سنجه کرامت که با آن، همه دانشوران بتوانند آن را در افراد، ارزیابی و راستی آزمایی نمایند.

(۵) کرامت انسانی در فقه، چه نسبتی با فلسفه داشته و دارد؟

نگرش فقهی ما غالباً نقلی است؛ هرچند که عقل از منابع فقهی شمرده شده است. این تحقیق تلاش می کند تا نسبت هست و باید کرامت انسانی در فقه را با عقل و فلسفه بیان کند.

ما در بررسی آثار زیست شناسی، ادیان، فلسفه، حقوق و فقه تلاش خواهیم کرد همه این پرسش های فرعی

را زیر عنوان پرسش اصلی کرامت انسانی بررسی و برشماری کنیم.

۱-۶. فرضیه اصلی:

«نیک گزینی»، ملاک کرامت انسانی است.

کرامت یک امر ارزشی و نه عینی و جوهری است. یعنی انسان از میان دیگر جانوران که تنها دارای «هست و نیست» ند، به جاننداری که دارای «خوب و بد» است ارتقا یافته و پیوندی با کرامت و لثامت یافته است. آشکار است که تنها پیوند با مقولات ارزشی، یعنی خوب و بد می تواند کرامت یا لثامت بخش باشد و مقولات وجودی، فاقد این جنبه اند. انسان با گزینش خوب و بد، می تواند خود را به ارزش متناظر آن ببیوندد. از این رو، گزینش آگاهانه است که می تواند برای مردم ارزش تعریف کند. در این گزینش آگاهانه، نیکبها بنیاد کرامت و بدبها بنیاد لثامت خواهند بود و اگر این گزینش آگاهانه خوب و بد نباشد، این بی پیوندی، به خنتی بودن او در پهنه ارزش ها، همچون دیگر جانوران خواهد انجامید. سنجه کرامت گزین گری آزاد نیکبهاست و آگاهی و خردمندی، ضرورت گزین گری. ملاکهای دینی و حقوقی که به نظر می رسد گاه کرامت را به نفس انسانی و نه حتا عمل یا نسبت و دهش خدا باز می گردانند، می توانند در طول و سرچشمه این تفسیر، مورد نقد قرار گیرند.

۱-۷. فرضیه های فرعی:

۱) انسان جانور «آزادگزين» است.

بر خلاف مشهور منطق که انسان را جانور «شناسا» می دانند، شناسایی در دیگر جانوران نیز در اندازه ای وجود دارد که به اختیار پیش بینی شده جانوران در مقولات وجودی (هست و نیست) می انجامد؛ اما گزینگری آزاد ارزش ها، منحصر در انسان است. پس در تعریف انسان، نمی توان به جانور شناسا، بسنده کرد. تعاریف دیگر فلسفی یا عرفانی چون «واصل عقل مستفاد» و «حی متاله»، می توانند تعابیر دیگری در امتداد این تعریف باشند.

۲) کرامت، پیش فرض همه انسانهاست؛ مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.

با دیدگاه فطرت و برائت در بعد اثباتی و پدیداری این ملاک در همه نمونه ها، اصالت و استصحاب بر گزینش نیک و حصول و صدق کرامت است و حتا در موارد مشکوک باید برائت نمود؛ اما جایی که هیچ توجیه بر درستی رفتار نماند یا خود کنشگر بر آن تصریح کند، احراز عدم خواهد گردید.

۱-۸. پیش فرض‌های ضروری:

این پژوهش در دو بخش دسته بندی می شود: بخش کلی و فلسفی آن، دارای هیچگونه پیش فرض ویژه ای جز پیش فرض های مشترک در همه جستار های فلسفی نیست. مشترکاتی چون واقعیت و این همانی و منع اجتماع و ارتفاع تقیضین و حداکثر اختیار انسان.

بخش دوم که کرامت را در ادیان و به ویژه در اسلام و فقه رسیدگی می نماید، آشکار است که حجیت منابع و اصول استنباط هر دین را برای پیروان می پذیریم؛ اما در تطبیق، عقل متعارف، داور میان ادیان است و دلایل عقلی را حجت می شماریم. نیز آشکار است که روش و باورهای خردستیز ادیان، حداکثر می تواند نزد پیروان آن ادیان پذیرفته باشد.

۱-۹. موارد نوآوری:

الف) جامعیت پژوهش که در آن گزارش فراگیری از آراء فلسفی در این باره ارائه و به دیدگاههای یک یا معدودی از فیلسوفان و مکاتب اکتفا نشده باشد.

ب) مانعیت پژوهش که موضوعات بی ربط با کرامت انسانی به گونه استطرادی کنار گذاشته شد. اهمیت این ویژگی در آن است که در بیشتر آثار به ویژه اسلامی، به گونه استطرادی، موضوعات فراوانی آمده و تنقیح سخن نشده است.

ج) تلاش برای بررسی تطبیقی و نیز نقد آرای فقهی با مبانی فلسفی، به گونه ای که افزون بر پیش آمدن گام به گام با نظریات، ارزش داوری درباره آن دیدگاه ها نیز انجام می گیرد.

د) پرداختن به ۷ مرحله: یکی لغزش های پژوهش های گذشته، دوم تلاش برای تعریف ملموس از انسان،

سوم بررسی ماهیت کرامت که اعتباری یا انتزاعی است، چهارم بررسی سنجه آن، پنجم بررسی نوین کرامت انسانی در قرآن و متن مقدس، ششم تفاوت حیث ثبوت و اثبات و پدیدارشناسی در کرامت انسانی و هفتم کرامتهای مادی و غیرانسانی. این دسته بندی پژوهش را بسیار روش مند و خرد گرانه می نماید.

ه) نظریه و قاعده تقارن اخلاقی جهان به عنوان بنیاد قاعده طلایی و عدالت انصافی.

۱-۱۰. هدف اصلی:

یافتن بنیاد منطقی کرامت انسانی به گونه ای که این مفهوم پرکاربرد در متون حقوق عمومی و اساسی جهان که پایه آن کمتر واکاوی شده است را تبیین کند و راهی را در همراهی ادیان و باورها برای پذیرش این بنیاد فراهم آورد. شاید دلیل اساسی بر ناهماهنگی جهانی در مصادیق کرامت انسانی، همین نا آشنایی با بنیادها و لغزش در احراز آن باشد. تبیین نشدنی که رسیدن به یک وفاق را نشدنی تر می نماید. از این رو باید هر دو بعد فلسفی و حقوقی آن، تبیین گردد. شاید هیچ واژه و عبارت به این اندازه اساسی، در متون حقوق جهان نباشد که این اندازه کم، بررسی و تدوین شده. باید دیدی کلی و جامع، قابل ارائه نزد گروه های اعتقادی مسلمان و دگرگیش، با واکاوی بنیاد کرامت که در این پژوهش، «گزینش نیک» است و نیز چگونگی احراز و رسیدن از نومن به فنومن در افراد، بررسی گردد. آنگاه آراء فقهی در این باره مورد نقد و تطبیق قرار گیرد.

۱-۱۱. اهمیت:

۱- مشخص نبودن بنیاد کرامت انسانی که مستند اصلی کلیه متون حقوق عمومی و اساسی و ابتدای جهان بر آن است به اختلافات اسلامی و غیر در این زمینه انجامیده و حداکثر به عنوان یک امر کلی مورد وفاق نسبی قرار گرفته است؛ چرا که بنیاد فلسفی مشخصی برای آن در نظر گرفته نشده و محل اختلاف است. آشکار است که دیدگاه های اسلامی یا دیگر ادیان نیز، چون تنها ضرورت اعتقادی هستند، مورد وفاق قرار نمی گیرند.

۲- بازگشت به اولویت مفهوم کرامت انسانی در متون و ادبیات اسلامی و دینی جهان. شاید امروز هیچ متن حقوقی یا جامع اسلامی را نتوان یافت که به کرامت انسانی استناد نکرده، بلکه مبتنی بر آن نباشد. لذا می باید

پیش و بیش از همه موضوعات، بدان پرداخته شود و در بحث انسان شناسی نیز، حلقه اتصال مفاهیم خرد و کلان است.

۱-۱۲. کاربری:

۱- مشکل اساسی، تفاوت تعریفی و مفهومی کرامت انسانی نزد ملل و باورها و گروه های جمعیتی و کنشگران است. خواهیم کوشید با ارائه تعریفی که پس از بررسی برجسته گفته ها به دست خواهد آمد، مبنای عقل را داور همه پذیر گرفته به نتایج مورد قبول در فقه اسلامی نیز برسیم.

۲- از ادیان گوناگون و اسلام تا بی باوران دینی، تقریباً در جزییات و فروع کرامت انسانی، وفاقی ندارند.

۳- این تحقیق می تواند مبنایی خرد پذیر را که یک دگم پیشنهادی و باور درون دینی نباشد و بتوان بر آن اقامه دلیل نمود، به ارباب ادیان و باورها ارائه نماید.

۱-۱۳. تعریف مفاهیم و متغیرها:

انسان: جانور گزین گر

تعاریف گوناگونی درباره انسان وجود دارد که هیچ یک از تعاریف گذشته را کافی نشمردیم. تعاریف زیست شناسی گونه انسانی اگرچه حدود مورد توجهی از انسان ها را در برمی گیرد اما جامع و مانع برای دقت های فلسفی کرامت انسانی نبود. تعاریف کهن فلسفی نیز چون «جانور شناسا» از آن رو مورد نظر قرار نگرفت که میزانی از شناسایی در دیگر حیوانات نیز بود. از این رو آن تعریف که مانع اغیار باشد چیزی فراتر از نطق/شناسایی است. در جستجوی این موضوع دانستیم که این ویژگی اراده آزاد و قدرت انتخاب انسان ها بر اساس خردمندی آنان است؛ چیزی که نه در حیوانات با هر میزان از توان شناخت و نه در رایانه ها با سطوح عالی شناسایی و هوش مصنوعی وجود ندارد. از این رو تعریف جانور گزینگر و مختار را به جای حیوان ناطق برگزیدیم. همچنین تعبیر دیگری چون جانور خداگرا که نزد ادیان و عرفان مورد توجه است را نیز متاخر بر خرد نظری و عملی انسان ها شمردیم و نه تعریفی برآمده از حد انسانی چنانکه بسیاری انسان ها این ویژگی را